

پیش درآمدی بر صنایع (قسمت هفتم)

# صنایع کوچک روستائی

ممکنه بررسی نمائیم ابتدا شمائی کلی از آنچه که در نظر است بیان نموده و سپس به توضیح یکایک آن خواهیم پرداخت بسنظر می رسد بمنظور رشد و توسعه اقتصادی کشور که همراه با رفع محرومیت از اقشار محروم کشور باشد نیازمند به یک برنامه ریزی دقیق اقتصادی هستیم که در بخشهای مختلف اقتصادی آنچه در کوتاه مدت و بلندمدت ابتدائی ترین هدف انقلاب اسلامی را که استقلال و خود کفائی اقتصادی است تأمین



ارتباط با شیوه های استقرار داشته و تکنولوژی جدیدتری در آن بکار گرفته خواهد شد. ابتدا ضروری است به این موضوع اشاره شود که استقرار این صنایع در خود روستاها منظور نبوده بلکه در مراکز دهستان و مناطقی که به مرور زمان برای رفع حوائج روستائیان و عشایر بصورت قطبی درآمده است در نظر می باشد، که ممکن است این تمرکز جنبه های فرهنگی داشته و شاید هم توأم جنبه اقتصادی نیز داشته باشد بنابراین، این مراکز صنعتی پس از صنایعی که در گذشته به آن اشاره شد اولین مکانی خواهد بود که نیروهای آزاد شده از بخشهای مختلف اقتصادی یک منطقه روستانشین را به خود جلب خواهد کرد و بنوعی استقرار آنها می تواند برنامه ریزی شود که باعث مهاجرت و ترک وطن نیروهای بکار گرفته شده از منطقه خودشان نشود و این موضوع دارای فواید ویژه ای خواهد بود. پس این صنایع کوچک در این مرحله، به تولید کالاهائی که جنبه صادراتی خواهند داشت نخواهند پرداخت و صرفاً بدنبال تولید آن دسته از کالاهائی می باشند که بنوعی جنبه مصرفی در منطقه را داشته باشند، (که ذیلاً بطور مفصل به آن خواهیم پرداخت) و از طرف دیگر تهیه مواد اولیه آنها در حوزه نزدیکی از منطقه میسر باشد.

بمنظور اینکه بتوانیم موضوع را از جوانب

**\* استقرار صنایع کوچک روستائی می تواند بنوعی برنامه ریزی شود که کارکنان را مجبور به مهاجرت از محل زندگی خویش نکند.**



**\* ایجاد یک ارتباط هماهنگ و قابل توسعه بین بخشهای اقتصادی از مهمترین مباحثی است که امروزه برای توسعه اقتصادی کشورهای جهان سوم مورد بحث واقع می شود.**



آنچه تاکنون تحت عناوین صنایع در روستا مورد بحث و بررسی قرار گرفته عبارت بودند از صنایعی که عمدتاً مواد اولیه آنها در مناطق دور افتاده روستائی بسادگی در دسترس قرار می گرفتند اما از این به بعد سعی خواهد شد به صنایعی پرداخته شود که مواد اولیه آنها به سهولت فوق در اختیار صنعتکاران و تشکیلات تولیدی قرار نگرفته و عمدتاً از صنایع مادر تغذیه می شوند و شکل پیچیده تری را در

نماید و برای این منظور در بخشهای کشاورزی، خدمات و صنعت نیز ضروری است به این مهم پردازیم که ایجاد یک ارتباط هماهنگ و قابل توسعه بین بخشهای اقتصادی از مهمترین مباحثی است که امروزه برای توسعه اقتصادی کشورهای جهان سوم مورد بحث واقع می‌شود که بیاری خداوند در جای خود بررسی خواهد شد اما آن چیزی که در این بررسی کوتاه مدنظر است این است که برای ترسیم و تجسم رشد و توسعه اقتصادی

کشوری که به نسبت خودش از غنی‌ترین کشورهای جهان بلحاظ ذخائر مادی (زیرزمینی و غیره) و معنوی می‌باشد از کدام راه باید برویم. یکی از مهمترین وجوهات این مباحث در نوع و شیوه و الگوی توزیع و مصرف و تولید کالاها و خدمات خلاصه می‌شود که در مباحث دیگری آنرا نیز بررسی خواهیم کرد ولی علاوه بر موضوعات فوق، ضروری خواهد بود که هماهنگ با تعیین الگوی تولید و مصرف و توزیع در بستر یک برنامه‌ریزی اقتصادی سهم و جهت هریک از بخشهای اقتصادی را در الگوی تولید مشخص و معین

کنیم. در این رابطه بود که مسئله شروع یک حرکت صنعتی بلحاظ ضرورت‌های موجود را، از روستا، پیشنهاد و به بررسی ابعاد مختلف آن پرداختیم و تاکنون آنچه از صنایع را که توانستیم اشاره نمائیم رابطه مستقیمی با نیازها و ضرورت‌های خاص مناطق مختلف کشور داشته که به شیوه‌های سنتی نیز در گذشته و حال رایج بوده است اما در مبحث صنایع کوچک روستائی، در نظر داریم صناعی را در مراکز و حوزه‌های اقتصادی روستا تجزیه و تحلیل نمائیم که رابطه خاصی با الگوی مصرف و کلاً نوع زندگی جوامع روستائی ایجاد نموده و چنانچه بدون توجه به مباحثی که خواهد آمد این بخشهای اقتصادی در آن مناطق فعال شوند می‌تواند اثرات زیانباری را برای کشور در پی داشته باشد، یعنی بجای اینکه تکنولوژی جدید در اختیار فرهنگ روستا (به معنی عام خود) قرار گیرد برعکس این موضوع رخ دهد و فرهنگ در اختیار تکنولوژی و به خدمت آن درآمد، هرگز نخواهیم توانست با اهداف استکباری که جهان صنعتی در تکنولوژی خود بکار گرفته مبارزه نمائیم مثلاً وقتی نیاز یک منطقه به نان بیشتری است ضروری است از امکانات تکنولوژی جدید برای تولید بیشتر نان مورد استفاده در منطقه استفاده گردد تا بتواند نیازمندی منطقه را به آن برطرف سازد و چنانچه عکس این عمل انجام شود و کارخانه نان ماشینی با این شیوه‌ای که در حال حاضر رسم شده در منطقه نصب شود نه تنها رفح حوائج ظاهری منطقه را ننموده است بلکه فرهنگ خاص استفاده از این نوع نان که برخاسته از فرهنگ غرب است را به منطقه وارد میکند که دیگر مردم نمی‌توانند با آن نانی که به ضخامت ده سانتیمتر است آبگوشت بخورند، باید با آن نان کالباس و سوسیس و غیره بخورند و مسائل دیگر فرهنگی منطقه کاملاً توجه شود و ثانیاً وجوه اقتصادی و مقرون به صرفه بودن این موضوع مستقیماً در برنامه‌ریزیها مورد بررسی قرار بگیرد تا بعنوان یک سنگ زیربنای محکم در توسعه اقتصادی در آینده بکار رود، بسیار بجا

خواهد بود که نمونه‌ای از تجربه کشور ژاپن را در این رابطه ذکر کرده و صرفنظر از فرهنگ خاص آنها و آنچه با این مسئله مهم توجه بیشتری گردد، کشور ژاپن در ابتدای تحولات میجی که پس از سقوط حکومت دیکتاتوری در آنجا رخ داد (سال ۱۸۶۸) و تهدیدات کشورهای آمریکا، روسیه، هلند، انگلستان را در سواحل خود مشاهده نمود خود را مصمم نمود تا با اقتصادی قوی در مقابل تهدیدات بیگانه بایستد، و بر این اساس بود که توجه‌های اساسی را به رشد و توسعه اقتصادی خویش معطوف نمود. از موارد بسیار مهم و شاخصهای اساسی که در صنعتی شدن ژاپن بچشم می‌خورد استفاده آنان از تکنولوژی غرب برای صنعت ابریشم بود، به این مفهوم که صنعت ابریشم در نیمه دوم قرن نوزدهم در ژاپن وجود داشت که پس از حرکت جدید سیاسی، اجتماعی، این کشور توانست از تحولات صنعتی غرب در توسعه صنعت ابریشم بومی استفاده نماید و پس از قوی نمودن بنیه اقتصادی خویش به مرور زمان به بخشهای دیگر اقتصادی نیز این تحول را تعمیم دهد بطوریکه در جدول ذیل آمده است در سالهای ۱۸۸۰-۱۸۷۶ سهم صادرات ابریشم ژاپن ۴۰/۷ درصد نسبت به کل صادرات را نشان می‌دهد که پس از تقویت بنیه اقتصادی و تعمیم تکنولوژی جدید در بخشهای مختلف اقتصادی بوسیله ترویج و آموزش علوم و فنون، در آموزشهای عالی و دانشگاهها، توانست صادرات ابریشم را از رقم فوق در سالهای (۱۹۵۸-۱۹۵۶) به ۱۱۳٪ کاهش داده و از تک محصولی شدن نیز بگریزد.

جدول شماره (۱) صادرات ابریشم خام ژاپن نسبت به کل ارزش صادرات

ردیف	سال صد صادرات ابریشم	نسبت به کل ارزش صادرات
۱	۱۸۷۶-۱۸۸۰	۴۰/۷٪
۲	۱۸۸۶-۱۸۹۰	۴۰٪
۳	۱۸۹۶-۱۹۰۰	۲۹/۴٪
۴	۱۹۰۶-۱۹۱۰	۳۰٪
۵	۱۹۱۶-۱۹۲۰	۲۴/۶٪
۶	بحران بزرگ ۱۹۳۱-۱۹۳۴	۳۹/۶٪
۷	۱۹۳۴-۱۹۳۶	۱۱/۱٪
۸	۱۹۵۰-۱۹۵۳	۱۱۷٪
۹	۱۹۵۶-۱۹۵۸	۱۱۳٪

همانطوریکه در جدول مشهود است سیر صادرات ابریشم خام از سالهای ۱۸۷۶ به روبه کاهش نهاده و در سالهای (ردیف ۶) با کمی افزایش ادامه یافته که افزایش سالهای فوق مصادف با بحران بزرگ اقتصادی غرب است که بین سالهای ۱۹۳۲ تا ۱۹۲۹ بوقوع پیوسته است. بهر تقدیر بنا بر آمار فوق همانگونه که در نمودار زیر مشخص است این روند نزولی بودن خویش را همواره حفظ نموده است:

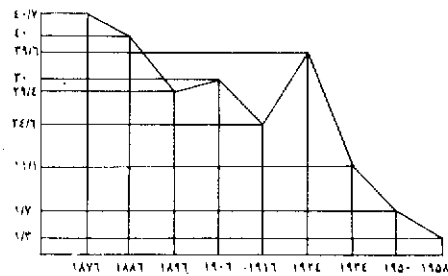


شیوه مصرف کالای تولید شده دقیقاً توجه شده و مورد عنایت قرار گیرد، بدین منظور جدول شماره (۳) را که ذیلاً آمده است بطور اختصار بررسی خواهیم کرد.

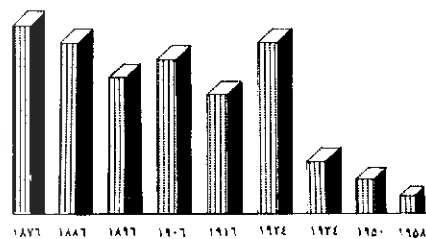
قبل از اینکه به خصوصیات و ویژگیهای هر نوع از ردیفهای جدول فوق اشاراتی داشته باشیم لازم بنظر می رسد که مبنای این طرز نگرش به صنعت در این بخش اقتصادی را در چگونگی استقرار آنها تذکری هر چند کوتاه داشته باشیم.

از موضوعات و محورهای عمده‌ای که در این سلسله بحثها دقیقاً مدنظر بوده است عدم تمرکز قطبهای اقتصادی از جمله صنایع بوده است. بر همگان روشن است که نرخ رشد جمعیت در کشور ما چیزی حدود ۳/۱٪ می باشد که با یک محاسبه ساده به این نتیجه خواهیم رسید که ظرف مدتی حدود ۱۵ سال جمعیت کشور به ۸۰ میلیون نفر خواهد رسید و مسلماً در دهه بعد افزایش بیشتری خواهد نمود بنابراین اگر عدم تمرکز و فعال شدن تمام مناطق کشور در ابعاد اقتصادی را در نظر داریم در کنار آن نیز توسعه همگن و همه جانبه تمام مناطق خصوصاً مناطق دور افتاده از مرکز و محروم را نیز دقیقاً مدنظر می گیریم و بر این باور اصرار داریم هر چند ممکن است در صنایع متمرکز کوچک در مقاطع

زمانی نزدیکتری به تولید و نهایتاً سود بیشتری دست یابیم اما این موضوع دقیقاً



جدول شماره (۲)



باتوجه به تنوع منابع و ذخائر گوناگونی که در کشور وجود دارد و دلایلی که فوقاً اشاره شد منافات خواهد داشت و می توان گفت در یک برنامه ریزی بلندمدت خواهد بود که قادر خواهیم شد از نفت بعنوان تنها تامین کننده ارز استفاده نکرده و از طرفی کالاهای ضروری مورد نیاز کشور را در ابعاد مختلف اقتصادی در داخل تضمین نماییم. بنابراین در سیاست گذاری، عدم تمرکز را در مقابل بینش تمرکز گرا برگزیدیم و بدین جهت است که برای تامین کالاهای مصرفی و ضروری مناطق مختلف صنعت مورد نیاز خویش را در حدود مرزی که مفصل در بخشهای آینده اشاره خواهیم کرد تجویز می نماییم و از طرفی این صنایع را می توان بعنوان تبدیل مواد خام اولیه به کالای واسطه‌ای به صنایع بزرگتر و متمرکز در منطقه در نظر گرفت تا بتوان در صنایع سبک و صنایع ابزار سازی فعالیت‌هایی را در مرکز بزرگتر منطقه داشته باشیم بدین منظور در استقرار این صنایع علاوه بر مطالبی که خواهد آمد لازم است برنامه ریزی منطبق با الگوی تولید ارزشهای انقلاب اسلامی پی ریزی شده تا بتواند به سهم خود الگوی مناسبی از مصرف را در مناطق ترویج نماید.

یعنی همانگونه که در نمودار شماره (۴) و (۵) آمده است از دو جنبه این استقرار را در نظر گرفته ایم ابتدا اینکه این نوع صنایع در مراکز دهستان مستقر می گردد و بغیر از آن صنایعی است که در جوار روستاها قرار گرفته است

مطالب فوق مقدمه‌ای باشد بر مبحثی که شروع کرده ایم بدین صورت که موضوعات مطروحه را در محور اساسی دنبال خواهیم کرد.

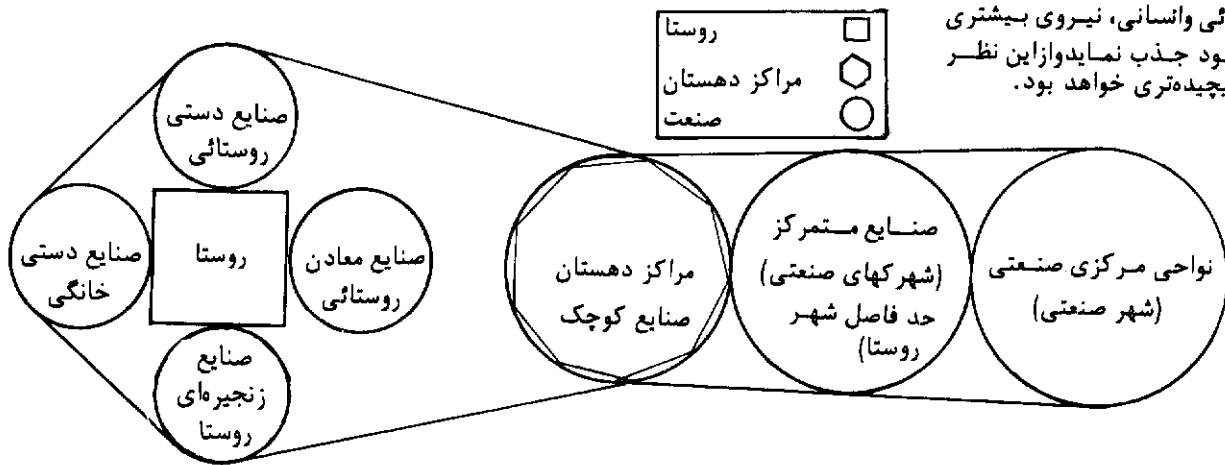
اول: ابتدا به جنبه‌های چگونگی استقرار و نوع صنعت در منطقه خواهیم پرداخت.  
دوم: به مسائل و مواردی که برای شروع هر نوع صنعتی ضروری است مورد توجه قرار گیرد و از جمله ویژگیهای هر حرکت اقتصادی خصوصاً از نوع صنعت باید باشد می پردازیم.  
۱- نوع و چگونگی استقرار صنایع کوچک روستائی

بخاطر اینکه بتوانیم مفاهیم پیچیده این بحث را هر چه ساده تر بیان نماییم این موضوع را یادآوری نماییم که منظور از نوع صنایع که بنظر می رسد از این دیدگاه بیش از ۳۲ نوع می تواند باشد این است که برای انتخاب یک نوع خاصی از صنعت ضروری است به نوع مواد اولیه، نوع کالای تولیدی، منطقه تولید مواد اولیه، منطقه مصرف کالای تولید شده، نوع و

نوع صنایع	نوع مواد اولیه		نوع کالاهای تولیدی		منطقه مصرف		منطقه تولید	
	مواد واسطه‌ای	مواد خام	مواد واسطه‌ای	مواد خام	منطقه خارج از منطقه	منطقه خارج از منطقه	منطقه اولیه	کالای تولیدی
۱	●			●				●
۲		●		●				●
۳		●		●				●
۴		●		●				●
۵		●		●				●
۶		●		●				●
۷		●		●				●
۸		●		●				●

جدول شماره (۳) نوع صنایع کوچک روستائی

و بلحاظ جغرافیائی و انسانی، نیروی بیشتری  
رامی تواند به خود جذب نماید و از این نظر  
دارای مراحل پیچیده تری خواهد بود.

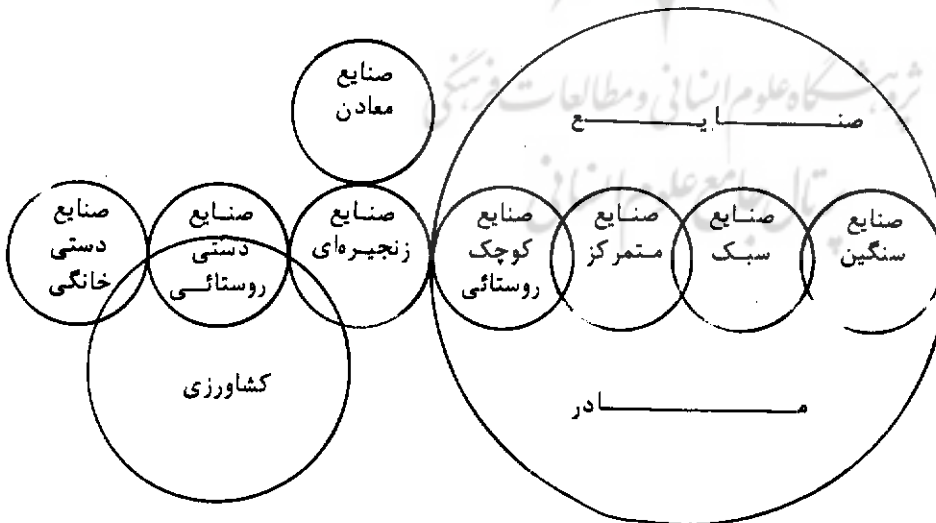


(۴) شمای کلی صنعت در یک ناحیه (استان)



همانطور که در نمودار فوق ملاحظه می شود صنایع کوچک روستائی دسترسی نزدیکتری به نیروهای انسانی دارد و به سبب نزدیکی محل زندگی روستائیان در زمینه چگونگی اسکان افراد این بخش مشکل عمده ای وجود ندارد ولی در صنایعی که بطور متمرکز خارج از این مراکز و حد فاصل شهر و روستا و یا در شهرهای کوچک استقرار پیدا می کنند و یا در شهرک صنعتی ایجاد می گردد مسائلی از جمله اسکان کارکنان که از مهاجرت اصولی آنان بوجود می آید، ضرورت دارد به آن توجه گردد.

از جمله مسائل دیگری که در این بخش مورد بررسی قرار خواهد گرفت ارتباط هماهنگ و تنگاتنگی است که صنایع کوچک روستائی با بخشهای دیگر صنعتی که نهایتاً به صنایع مادر ختم می شود پیدا خواهد نمود که در نمودار شماره (۵) بوضوح نمایان شده است که صنایع (۱ و ۲ و ۳ و ۴) در روستا و در جوار کشاورزی است و بقیه صنایع بلحاظ مواد اولیه زیر مجموعه ای از صنایع مادر می باشند.



نمودار شماره (۵)

بدین مفهوم که از یک طرف مواد اولیه مورد نیاز از بخشهای دیگر صنعتی تامین می شود و از طرف دیگر در متن جامعه روستائی

قرار گرفته است که انشاءالله در شماره آینده به توضیح مطالب فوق و جداول خواهیم پرداخت....  
... ادامه دارد